

قاب‌های ماندگار، یادگار سینماگر مشهدی

ملیحه جهانبخشا کودکی که بغلش کرده‌و به نشانه عزا روی شانه‌هایش کاه ریخته بودند تا در هاله‌ای از نور و ذرات کاهی که از ضرب سینه‌زنی جمعیت به هوا پخش می شد قاب ماندگاری را در ذهنش ثبت کنند. این قاب ماندگار تصویری است که محمود رضوی، تهیه کننده بنام سینمای ایران، از کودکی هایش در حسینیه خانوادگی‌شان در مشهد به خاطر دارد. اگر چه سال هاست در تهران به فعالیت هنری می پردازد اما اصالتنا مشهدی است و حس وحال مذهبی و معنوی اش را وام‌دار خانواده روحانی است که در آن بزرگ شده است. محمود رضوی را اغلب با تهیه کنندگی در فیلم‌های «لاتاری»، «ماجرای نیمروز» و «درباره الی» می‌شناسند اما به نظر می‌رسد تولید آثاری مانند «سیانور، «رد خون» و «ماجرای نیمروز» وجهه سیاسی رضوی را نیز در سال‌های اخیر پررنگ کرده است، اگرچه او در ژانر اجتماعی نیز با آثاری چون «دهلیز»، «دارکوب» و «لاتاری» به عنوان تهیه‌کننده حضور داشته است. محمود رضوی در جشنواره فیلم فجر کارنامه درخشانی از تهیه کنندگی برای فیلم‌هایی را دارد که در دوره‌های مختلف جشنواره سیمِرخ را در زمینه‌های مختلف

از آن خود کرده‌اند، مانند فیلم‌های «دهلیز»، «ماجرای نیمروز» که سیمِرخ های متعددی را در زمینه بهترین فیلم، بهترین فیلم از نگاه ملی و بهترین فیلم از نگاه تماشاگران دریافت کرد. یکی از مهم‌ترین ویژگی های رضوی جوانی او در زمان تولید آثاری است که در میان سینماگران و مخاطبان مورد توجه قرار گرفته است. در ۲۸ سالگی به عنوان تهیه کننده در فیلم «درباره الی»، ۳۵سالگی در «خانه‌ای در خیابان چهل ویکم»،۳۶سالگی در فیلم «ماجرای نیمروز» و ۳۷سالگی در فیلم «لاتاری» و «دارکوب» همکاری داشته است. محمود رضوی همچنین در کارنامه خود تولید سریال هایی مانند «نفس گرم»، «نون و ریخون» و «معراجی ها» را نیز دارد. از مهم ترین پروژه های او اکنون تولید سریال حضرت موسی(ع) است. محمود رضوی امسال یکی از داوران چهل ویکمین جشنواره فیلم فجر بود.

نگاهی به موفقیت سینماگران خراسانی در ادوار گذشته جشنواره ملی و بین المللی فیلم فجر سیمِرخ هایی که سهم مشهد شدند

نگاهی به موفقیت سینماگران خراسانی در ادوار گذشته جشنواره ملی و بین المللی فیلم فجر

درنگ

چهل ویکمین دوره‌جشنواره‌فیلم‌فجر درحالی شامگاه ۲۲بهمن به پایان رسید که‌دست‌سینماگران‌مشهدی ازگرفتن سیمِرخ کوتاه‌ماند. در این دوره‌ابراهیم‌اصغری،تهیه‌کننده‌فیلم «شماره ۱۰»، رضا نجانی کارگردان «بعد از رفتن»، مه‌ران احمدی، بازیگر «غریب»، و مسعود زارعیان، کارگردان مستند «غیرمسکونی»، به‌عنوان نمایندگان مشهد و خراسان در بخش‌های بهترین فیلم، بهترین فیلم اول، بهترین بازیگر مکمل مرد و بهترین مستند بلند‌نامزد دریافت جایزه‌شده‌بودند که حضور آن‌ها در میان نامزدها، توانایی هنرمندان مشهدی را نشان می‌دهد. سینماگران مشهدی همیشه‌در ادوارمختلف جشنواره‌حضوری فعال داشته‌اندو توانسته‌اند جوایزی را هم کسب کنند. در گزارش پیش‌رو به‌افتخار آفرینی بازیگران و کارگردانان مشهدی در ادوار گذشته‌جشنواره نگاهی داشته‌ایم که در ادامه پیش‌روی شماست.

درخشش در ابتدای مسیر
هنری

داریوش ارجمند، بازیگر پیشکسوت سینما و تئاتر مشهد، در همان ابتدای مسیر حرفه‌ای خود و در سال ۱۳۶۵ با بازی در فیلم «ناخدا خورشید»، ساخته ناصر تقوایی، سیمِرخ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد را به خانه برد، اثری که همچنان هم یکی از آثار ماندگار سینمای ایران محسوب می‌شود. او در سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۸ هم برای بازی در فیلم‌های «جست‌وجوگر» و «اعتراض» نامزد دریافت سیمِرخ بهترین بازیگر نقش اول مرد شد اما نتوانست این جایزه را از آن خود کند. در نهایت همکاری با بهرام بیضایی در سال ۱۳۷۹ دومین سیمِرخ بازیگری را برای ارجمند به‌ارغمان آورد. اوسیمِرخ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را برای بازی در فیلم «سگ کشی» دریافت کرد.

۲ سیمِرخ برای کیانیان

رضا کیانیان یکی از موفق‌ترین بازیگران مشهدی در ادوار گذشته جشنواره فیلم‌فجر بوده‌است. او در سال‌های اولیه فعالیت هنری اش بازی در آثار «گاه‌ی «کیمیا» به کارگردانی احمد رضا درویش، نامزد دریافت سیمِرخ بهترین بازیگر نقش مکمل مرد شد اما اولین سیمِرخ‌ش را سه سال بعد و در سال ۱۳۷۶ برای ایفای نقش به‌یادماندنی سلحشور در فیلم «آژانس شیشه‌ای»، ساخته‌ابراهیم‌حاتمی، دیبا‌به‌دست‌آورد.دیری نگذشت که این هنرمند نتوانست تعداد سیما‌ش را به عدد دوبرساند و دومین سیمِرخ‌ش را در سال ۱۳۸۰ و برای بازی در نقش اول فیلم «خانه‌ای روی آب، کسب کند. کیانیان در سال‌های بعد نتوانست سیمِرخ دیگر در بخش بازیگری کسب کند اما چندین بار تا یک قدمی از دریافت این جایزه رفت و برای بازی در آثار « گاهی» به آسمان نگاه کن، «ماهی‌ها عاشق می‌شوند» و «کشف‌هایم کو» نامزد دریافت سیمِرخ شد.

بهداد ویک سیمِرخ

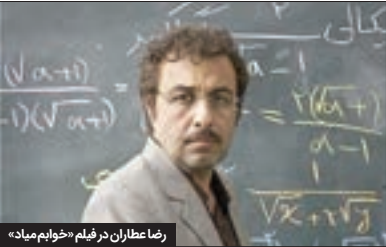
حامد بهداد هم جزو بازیگرانی است که با اولین حضور حرفه‌ای خود در یک اثر سینمایی توانست توانایی هایش را ثابت کند و برای بازی در فیلم «آخر بازی»، ساخته‌هامیون اسعدیان، نامزد دریافت

یادداشت روز
سینما-هنر صنعت پیچیده‌ای است که با اتکا بر فرمول سرگرمی‌سازی نقشی بنیادین در تقویت گفتمانی و دگرگونی های فرهنگی جامعه‌های گوناگون ایفا می کند. نقطه‌قوت سینما به نسبت دیگر هنرها در این

است که امکان لمس و پیوند نزدیک‌تر حسی و عاطفی برای مخاطب را بیشتر فراهم می‌آورد و بر این بنیاد و با بهره بردن از شبکه‌ای رنگارنگ از هنرهای گوناگون زمینه تبدیل شدن معانی و مفاهیم انتزاعی را به فرم‌های تأثیرگذار بر مخاطب فراهم می‌آورد. به همین دلیل است که یکی از برترین ابزارها برای رواج دادن و گفتمانی کردن نگره‌های ایدئولوژیک در هر جامعه، به‌طور کلی زبان هنر و به‌طور ویژه زبان هنری سینماست. قدرت گرفتن روزافزون سینما و پیوند جدی آن با گروه‌های گوناگون مردم موجب شد سیاست‌ورزان، کارگزاران و حکومت‌ها نتگاهی جدی‌تر به این هنر داشته باشند و از ظرفیت‌های ویژه آن برای ترویج و گسترش نگاه‌های خویشت در نظام اجتماعی بهره‌برند. به همین دلیل و البته به‌واسطه هزینه‌های سنگین هنر سینما، همواره در همه نقاط جهان، تولید آثار سینمایی در بسیاری از موارد وابسته به نهادهای دولتی و حاکمیتی بوده‌است. در سینما ایران نیز همواره شاهد حضور نهادهای گوناگون هستیم که در جهت توسعه ارزش‌های خویشت که البته قدرت گرفته از مبانی اصیل انقلاب هستند از ظرفیت‌های هنری بهره می‌برند. هرساله بخش شایان توجهی از آثار سینمایی تولیدشده در کشور ما با حمایت‌های گوناگون مادی یا معنوی نهادها به پرده

مرتضی اخوان
او که دانش آموخته از مرکز آموزش فیلم‌سازی نبود اما فرصت طلایی حضور در دو تجربه بزرگ نصیبش شد؛ ابتدا «مردی شبیه باران» و بعد از آن «مردی از جنس بلور». دو تجربه در ابتدای راه تهیه‌کننده‌ای که امروز خیلی‌ها او را با آثار متعدد در ژانر دفاع مقدس می‌شناسند. اگر آن موقع نام تهیه‌کننده این دو فیلم که توجه جشنواره بین المللی فیلم فجر را به خود جلب کرده بود، می‌پرسیدند، همه از «شرکت سینمایی گوهران» یاد می‌کردند؛ شرکتی که دفترش در مشهد بود و ابراهیم اصغری از آنجا به سینمای ایران معرفی شد؛ چه در نقش مجری طرح این دو فیلم، چه بعدترها که یک تهیه‌کننده شش‌دانگ شد و با کمک مؤسسه‌های بزرگی مانند فارابی، بارها دغدغه‌های خودش را در ژانر دفاع مقدس روی پرده نقره‌ای برد. ابراهیم اصغری، تهیه‌کننده فیلم «شماره ۱۰» که تا آستانه فتح سیمِرخ چهل ویکمین جشنواره بین المللی فیلم فجر پیش رفت، درحالی دستش از این جایزه کوتاه ماند که پیشتر هیچ‌گاه سیمِرخ ژوئایی بر شانه‌های اقبالش ننشسته بود. اصغری که از همان سال ۱۳۷۵ وارد سینمای ایران شد، در ادامه به‌صورت مستقل به‌عنوان تهیه‌کننده، «شب حورا»، «به کودی یاس»، «شور

چهره روز



● **سینماگران مشهدی موفق در کسب سیمِرخ نگاه ملی**
از میان دیگر کارگردانان خراسانی که در جشنواره فیلم فجر خوش درخشیده‌اند می‌توان به محمد بزرگ نیا اشاره کرد. او سال ۱۳۷۲ سیمِرخ بلورین بهترین کارگردانی جشنواره فیلم فجر را برای فیلم «جنگ نفت کش ها، کسب کرد و در بیست و سومین دوره جشنواره نیز توانست جایزه ویژه هیئت داوران را با فیلم «جایی برای زندگی» به‌دست آورد. فیلم «راه آبی ابریشم» به کارگردانی او هم برنده سیمِرخ بلورین بهترین فیلم از نگاه ملی از بیست‌ونهمین دوره‌جشنواره‌فیلم‌فجر شده‌است. جواد اردکانی دیگر کارگردان مشهدی هم برای ساخت فیلم به کودی یاس توانسته است سیمِرخ بهترین فیلم از نگاه ملی از بیست‌وهفتمین دوره جشنواره فیلم فجر را به‌دست آورد. تهیه‌کنندگی این فیلم‌برعهده ابراهیم اصغری بوده‌است. همکاری این دوسینماگر مشهدی در فیلم‌سینمایی «شور شیرین» هم سیمِرخ بهترین فیلم از نگاه ملی و هم سیمِرخ زرین دبیر جشنواره را از سی امین دوره جشنواره فیلم فجر به ارغمان آورد.

دیگر موفقیت‌ها

مهدی صباغ‌زاده، کارگردان پیشکسوت‌مشهدی، برنده جایزه بزرگ مصطفی عقاد برای کارگردانی فیلم «راه بهشت» از بخش بین الملل سی امین جشنواره فیلم فجر شد. هدایت هاشمی، بازیگر خراسانی، نیز برنده دیپلم افتخار بهترین بازیگر نقش اول مرد برای بازی در فیلم «لطفاً مزاحم نشوید» از بیست‌وهشتمین دوره جشنواره فجر شده‌است. از دیگر جوایز مشهدی‌ها می‌توان به جایزه فروش محمدزاده در بخش بهترین کارگردانی هنر و تجربه و جایزه حامد کاتبی برای بهترین کارگردانی پویانمایی از سی و چهارمین دوره جشنواره فیلم فجر اشاره کرد. از «ترن»، ساخته مرحوم امیر قویدل، در بخش فیلم نامه ششمین جشنواره فیلم تقدیر شده‌است. فیلم‌سازان خراسانی که در حوزه فیلم کوتاه و مستند فعال هستند هم در جشنواره فیلم فجر جوایزی کسب کرده‌اند که از آن جمله می‌توان از رضا فرهنگد برای ساخت فیلم «اتاق صعود» و نیز «زنایی با گوشواره‌های باروتی» رضانجایی برای کارگردانی «افاق» و فرهادخوش‌دست برای ساخت «خط باریک قرمز» نام‌برد.

«شماره ۱۰» نزدیک به سیمِرخ شد، اما نر سید

شیرین»، «پنجشنبه آخر ماه»، «او خوب سنگ می‌زند»، «قرارمون پارک شهر»، «اشنوگل» و «تک‌تیرانداز» را ساخت. آثاری که بیشتر آن‌ها در ژانر دفاع مقدس ساخته شدند و اتفاقاً موفقیت‌های چشمگیری هم داشتند. حتی به‌گفته منتقدان به برخی از این آثار با بی‌مهری‌هایی نیز همراه شد. با وجود این، حکایت «شماره ۱۰»، تازه‌ترین کار ابراهیم اصغری، حکایتی متفاوت بود. نامزدی در ۱۰ بخش سودای سیمِرخ چهل ویکم کارنامه قابل‌قبولی برای این تهیه‌کننده بود که دست‌آخر چهار سیمِرخ هم برای فیلمش به دست آمد؛ اما خود فیلم نتوانست سیمِرخ بلورین جشنواره را به‌دست بیاورد. اما شاید دهمین فیلمش در جشنواره آینده، این‌مهم‌را برای او رقم‌بزند.

شخصیت‌های مجهول و نبود تعلیق در داستان

نگاهی به فیلم «شماره ۱۰»، اثر حمید زرگزرت‌زاد

محمد کلاته ملایی

نمی‌دانم مشکل کجاست که فیلم‌سازان به جای نشان دادن نیت کاراکتر، او را تا آخر فیلم برای ما مجهول نگه می‌دارند تا در انتها مخاطب را غافلگیر کنند و این تمهید را هم نقطه قوت فیلم‌هایشان می‌دانند. در فیلم «شماره ۱۰»، اثر حمید زرگزرت‌زاد، این نکته‌مشهوداست. اگر از ابتدا مخاطب شخصیت مجید صالحی را بشناسد و نیت درونی او را بداند و در ادامه با همکاری دوستانش از نقشه فرار و برنامه‌ریزی آن مطلع شود و موانع موجود را هم ببیند، ارتباط بهتری می‌تواند با شخصیت برقرار کند و نگران او باشد و به‌طورحتم این تعلیق کارکرد مناسب‌تری در روایت فیلم پیدا خواهد کرد. چرا ما نباید بدانیم این فرد کیست؟ اهداف احمد و محمود چیست؟ چرا فیلم‌نامه نویس به ما کدهایی می‌دهد که احمد انگار نقشه‌های در سردار و آدم آب زیرکاهی است، اما در ادامه از آن هیچ استفاده‌ای نمی‌کند؟ آیا این‌ها نبود معنایی جز ضعف شخصیت پردازی در فیلم دارد؟ او چگونه نقشه آنجا را دارد و از کجا می‌داند چگونه باید فرار کند؟ این دو اسیر از کجا به‌راحتی آتنن بی‌سیم و طناب فراهم می‌کنند؟ این قبیل سوآلات متأسفانه مفروض گرفته می‌شوند در حالی که فیلم می‌توانست با مانور بر روی آن‌ها و پرداخت بیشتر، تعلیق مناسب‌تری خلق کند. اگر اشاره فیلم به واقعی بودن قصه در انتهای آن نبود، بردن فضای فیلم به دوران اسارت رزمندگان بدترین اشتباه ممکن بود، چون فیلم‌ساز این فضا و این افراد را نمی‌شناسد. پرت شدن یکی از اسرا که گفته می‌شود فرمانده بوده است در همان اوایل فیلم با سه نفر اسیری که به خاطر فرار به دار آویخته می‌شوند، نمونه‌هایی از نگاه‌های کاریکاتورگونه فیلم‌ساز هستند. اتفاقاً در برخی از صحنه‌های فیلم توجهی به رزمندگان ندارد و این حس اورا، حرکت دوربین در معرفی افسر عراقی برای اولین باری که او را می‌بینیم لو می‌دهد، زمانی که دوربین به آرامی و از پشت سر در یک نمای هم تراز به او نزدیک می‌شود. حتی فیلم‌ساز منافقین را هم نمی‌شناسد. کمک شماره ۱۰ منافقین برای بردن ادوات جنگی به نفع چه کسی است؟ مطمئناً بعد از برگشت او به اردوگاه اسرا، منافقین با خیال راحت موانع بازرسی را رد خواهند کرد و برای عملیات آماده خواهند شد، به لطف چه کسی؟ در سکانس فیلم‌ساز آن چنان ذوق زده می‌شود تا اسامی اسرا را به صلیب سرخ اعلام کند اما متوجه نیست ضرر این آدم از این کار بیشتر بوده است. وقتی فیلم‌سازی مدیوم سینما را خوب بلد نیست، نتیجه می‌شود تقلیل دادن کار بزرگ یک رزمنده به کاری پر از اشتباه و غلط. او حتی کریم را تطهیر می‌کند تا میداد رزمنده خائن داشته باشیم. در کجای فیلم کشمکش درونی کریم برای برگشت یا دفاع از رزمندگان دیده می‌شود؟ چگونه او متحول شد؟ «شماره ۱۰» با شروعش نوید فیلم خوبی را می‌داد. وقتی شخصیت اصلی را بدون دیالوگ و فقط با زبان تصویر برایمان ساخت، اما در ادامه دچار همان اشتباهات متداول و پرتکرار این روزهای فیلم‌های جشنواره شد تا فیلم به ورطه سقوط بيفتد و فیلم‌ساز این را بداند که سینما تنها مدیومی است که ناخودآگاه او را لو می‌دهد وقتی مسئله‌ات اسرا، جنگ و شماره ۱۰ نباشد.

امروز باید بسیاری از نهادهای متولی امور دینی، روش‌های تبلیغی خویش را در حوزه سینما متمرکز سازند. در میان مفاهیم دینی، زیارت در ایران از جایگاهی ممتاز برخوردار است. به دلیل وجود مصجع شریف حضرت‌رضا(ع) در مشهد مقدس، زیارت به یکی از مفاهیم بارز با ظرفیت سیاست‌گذاری در حوزه‌های مختلف بدل شده است. زیارت با پشتوانه معرفتی، جنبه‌های پررنگ مناسکی، ارتباط عمیق اعتقادی و نسبت مستقیم با شعارهای انقلاب اسلامی، بیشترین ظرفیت را برای امتداد یافتن در زندگی روزمره مردم دارد. این امتداد با زبان سینما ممکن خواهد شد. مروری بر آثار جشنواره چهل ویکم و حتی جشنواره‌های پیشین نشان می‌دهد که هیچ‌گاه به ظرفیت زیارت توجهی جدی نشده است. درحالی‌که زیارت بیشترین ظرفیت تطبیق با ساختارهای سینمایی برای ایجاد زنجیره انتقال معنی را دارد. بر این بنیاد از نهادهای متولی نشر معارف دینی به‌ویژه زیارت انتظار می‌رود با درک شرایط روز جامعه و در راستای انجام رسالت‌های بنیادین خویش به این اولویت برجسته که مجموعه ارزش‌های بنیادین جامعه را خود جای داده است و زمینه تأثیر بر ابعاد گوناگون زندگی را فراهم می‌سازد توجه کند. چپ‌سا باید انتظار داشته باشیم که جشنواره فیلم فجر انقلاب اسلامی شاهد جایزه‌ای ویژه برای زیارت باشد. تا تشویقی نظام‌مند برای جریان تولید سینمای ایران به سوی تقویت گفتمان زیارت باشد.

فیلم فجر و جای خالی جایزه زیارت

است که هر یک از این نهادها مبتنی بر بیانیه ارزش‌های خویش برای تأثیرگذاری بر جامعه با ورود به عرصه تأمین سرمایه و البته هدایت و جهت‌بخشی محتوایی، زمینه ساخت آثار سینمایی متنوع را فراهم آورده‌اند. چهل ویکمین جشنواره فیلم فجر نیز شاهد حضور آثار سینمایی مختلفی بود که با پشتیبانی نهادهای و مجموعه‌های گوناگون رسمی تولید شده بودند. به‌طور کلی زمانی که چنین فهرست‌هایی را دنبال می‌کنیم، بیشترین حجم آثار مربوط به آثار سینمایی است که ارتباط مستقیمی با مقوله‌های آسیب اجتماعی، قضایی، انتظامی، دفاع مقدس، امنیتی و... دارند. ضمن تأیید اهمیت همه این موضوعات باید به جای خالی مضامین مفاهیم معرفتی دینی که بنیادین‌های جامعه بر آن‌ها استوار است اشاره کرد. در کنار نهادهایی که از ساخت آثار سینمایی مورد اشاره حمایت می‌کنند امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند حضور سازمان‌ها و تشکیلات متولی امر دین در عرصه حمایت از سینما هستیم. به عبارت بهتر با توجه به تغییر ماهیت ارتباطی جهان



محمد جواد استانی، نویسنده مقالات فرهنگی

سینما راه می‌یابند. حمایت و پشتیبانی رسمی از ساخت آثار سینمایی یکی از اقدامات شایسته‌ای است که زمینه‌تأثیر فرهنگی و نرم بر جامعه را فراهم می‌آورد، زیرا امروز گسترش و تقویت ارزش‌ها، آرمان‌ها و اهداف جز در سایه کنش‌های فرهنگی غیرمستقیم اثرگذار نخواهد بود. سرمایه‌گذاری و حمایت از آثار سینمایی از سوی مجموعه‌های رسمی دولتی یا حاکمیتی نه تنها زمینه توسعه فرهنگی و اصلاح کنش‌های گوناگون در جامعه را فراهم می‌آورد، بلکه زمینه‌توسعه اقتصادی و رشد اقتصاد فرهنگ و هنر و کمک به خانواده بزرگ سینما را هم میسر می‌سازد.

هرساله در جشنواره فیلم فجر که به‌نوعی آیینی‌ای برای سینمای ایران محسوب می‌شود شاهد حضور آثار گوناگونی هستیم که با حمایت نهاد‌های مختلف ساخته شده‌اند. در جشنواره‌های گذشته تقریباً می‌توان روند مشخصی از حضور فیلم‌های تولیدشده با حمایت نهادهای رسمی همچون بنیادسینمایی فارابی، وزارتخانه‌های گوناگون، شهرداری‌ها، نهادهای نظامی و انتظامی و... را مشاهده کرد. طبیعی